

آزمون محدودیت های حاکم بر ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

شکراله خواجهی^۱، زهرا نجفی^۲

چکیده: در این پژوهش برخی باورهای مبتنی بر مفاهیم نظری حسابداری، از جمله رابطه متناقض بین ویژگی های کیفی مربوط بودن و قابلیت اتکا و قابلیت اتکا و به موقع بودن آزمایش می شود. برای آزمون فرضیه های پژوهش، آزمون های آماری تی استیوونت اجرا شده است. با بررسی ۱۰۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۹ - ۱۳۷۹، نتایج حاکی از آن است که شرکت هایی که اطلاعات قابل اتکاتری ارائه می کنند، میزان مربوط بودن اطلاعاتشان بیشتر است. همچنین شرکت هایی که اطلاعات خود را به موقع تر منتشر می کنند، اطلاعاتشان مربوط تر است. از یافته های دیگر این پژوهش می توان به همبستگی مثبت بین ویژگی های قابلیت اتکا و به موقع بودن اشاره کرد. به بیان دیگر، شرکت هایی که اطلاعات به موقع تری ارائه می کنند، اطلاعاتشان قابل اتکاتر است و شرکت هایی که اطلاعات قابل اتکاتری ارائه می کنند اطلاعاتشان به موقع تر است.

واژه های کلیدی: به موقع بودن، قابلیت اتکا، مربوط بودن، ویژگی های کیفی اطلاعات.

۱. دانشیار حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۲۲

نویسنده مسئول مقاله: شکراله خواجهی

E-mail: shkhajavi@rose.shirazu.ac.ir

مقدمه

محصول نهایی فرایند حسابداری مالی، ارائه اطلاعات مالی به استفاده کنندگان است. اطلاعات حسابداری مبنای بسیاری از تصمیم گیری ها در بازار سرمایه محسوب می شود. بنابراین اطلاعات باید به گونه ای تهیه و گزارش شود که برای تصمیم گیری استفاده کنندگان مفید باشد. بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، محتوای اطلاعات، زمانی برای تصمیم گیری مفید است که مربوط و قابل اتکا باشد (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری مالی، ۱۳۸۹). با وجود تعیین ویژگی های کیفی در چارچوب مفاهیم نظری گزارشگری مالی، در بندهای ۳۱-۲ و ۳۳-۲ مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران، «موازنه بین ویژگی های کیفی» و «به موقع بودن»، محدودیت های حاکم بر ویژگی های کیفی عنوان شده است که مانع از دستیابی به همه ویژگی های کیفی، در مقطعی از زمان می شود. برای مثال اطلاعاتی که قابل اتکاتر است، اغلب کمتر مربوط است. همچنین برای ارائه به موقع اطلاعات، اغلب ممکن است لازم شود قبل از مشخص شدن همه جنبه های معامله یا رویداد، اطلاعات موجود گزارش شود که این از قابلیت اتکای اطلاعات می کاهد (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری مالی، ۱۳۸۹). این در حالی است که تاکنون شواهد تجربی مبنی بر تأیید یا رد محدودیت های یادشده به دست نیامده است. از این رو این پژوهش تلاش می کند به سؤال های زیر پاسخ دهد:

آیا اطلاعات شرکت هایی که قابل اتکاتر است، درجه مربوط بودن کمتری دارد؟

آیا اطلاعات شرکت هایی که به موقع تر گزارش می شود، مربوط تر است و قابلیت اتکای

کمتری دارد؟

پیشینه پژوهش

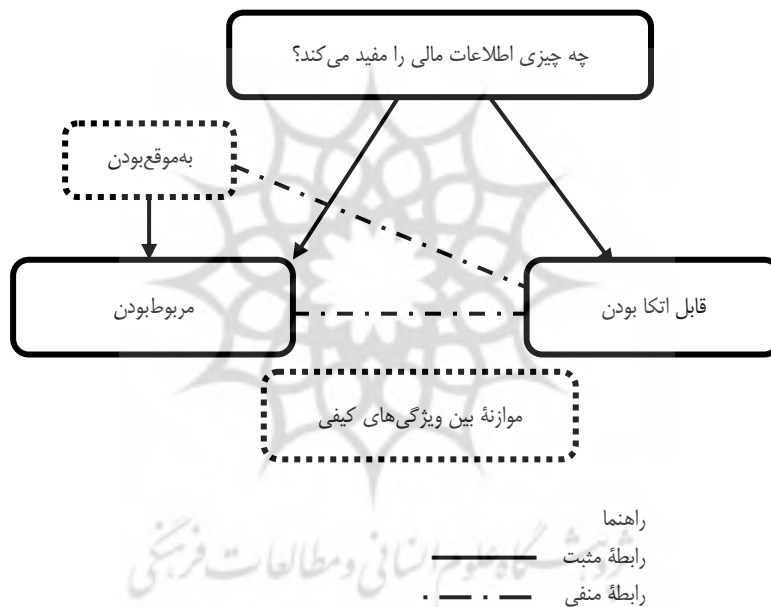
پیشینه نظری

حسابداری نوعی سیستم اطلاعاتی است که وظیفه و رسالت اصلی آن جمع آوری و تبادل اطلاعاتی به گونه ای است که بتواند در تصمیم گیری به استفاده کنندگان از صورت های مالی کمک کند. کیفیت و محتوای اطلاعات تهیه شده توسط این سیستم، در برقراری ارتباط با استفاده کنندگان اهمیت شایان توجهی دارد؛ به گونه ای که در مفاهیم نظری گزارشگری مالی، ویژگی های کیفی مشخصی برای سودمندی اطلاعات مطرح شده است. بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، ویژگی های کیفی اطلاعات، ویژگی هایی هستند که موجب سودمندی اطلاعات گزارش شده در صورت های مالی برای استفاده کنندگان در راستای ارزیابی وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری واحد تجاری می شود. برخی ویژگی های کیفی مختص به محتوای

اطلاعات است و برخی دیگر به چگونگی ارائه این اطلاعات مربوط می‌شود که در بند ۳-۲، مربوط بودن و قابلیت اتکا، ویژگی‌های کیفی اصلی محتوای اطلاعات معرفی شده است (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۹). اطلاعاتی مربوط تلقی می‌شود که بر تصمیم‌های اقتصادی استفاده‌کنندگان در ارزیابی رویدادهای گذشته، حال یا آینده یا تأیید و تصحیح ارزیابی‌های گذشته آنها مؤثر واقع شود. مربوط بودن پدیده نسبی است و باید به فرد این امکان را بدهد که تصمیمی متفاوت اتخاذ کند. اطلاعاتی قابل اتکا است که ضمن عاری بودن از اشتباه و تمایلات جانبدارانه با اهمیت باشد و به‌طور صادقانه آن چیزی را گزارش کند که مدعی بیان آن است یا به‌گونه معقولی که انتظار می‌رود بیان شود (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۹).

در بندهای ۳۱-۲ و ۳۳-۲ چارچوب مفاهیم نظری گزارشگری مالی، «موازنه بین ویژگی‌های کیفی» و «به‌موقع بودن»، محدودیت‌هایی مطرح شده‌اند که مانع از دستیابی همزمان به تمام ویژگی‌های کیفی در برهه‌ای از زمان می‌شود. بدین صورت که، گاهی دستیابی به برخی ویژگی‌های کیفی، مستلزم فداکردن ویژگی کیفی دیگری است. برای مثال، تلاش برای ارائه اطلاعات قابل اتکاتر ممکن است از میزان مربوط بودن اطلاعات بکاهد. بنابراین به‌منظور پاسخگویی به اهداف صورت‌های مالی که عبارت است از ارائه اطلاعات تلخیص شده و طبقه‌بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری، به‌گونه‌ای که برای بیشتر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی مفید واقع شود، دستیابی به نوعی توازن بین انواع ویژگی‌ها ضروری است. این در حالی است که اهمیت نسبی ویژگی‌های کیفی در موارد مختلف، امری قضاوتی است (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۹). از سوی دیگر، داده‌های حسابداری از نظر زمانی تاریخ انقضا دارند و چنانچه به‌موقع ارائه نشوند، ارزش اطلاعاتی خود را از دست می‌دهند و نامربوط شمرده می‌شوند. به بیان دیگر، اطلاعات پیش از اینکه توان خود را برای اثرگذاری بر تصمیم‌ها از دست بدهد، باید در دسترس تصمیم‌گیرنده قرار گیرد. به‌موقع بودن اطلاعات نمی‌تواند ویژگی مربوط بودن را تضمین کند، اما برای مربوط بودن، اطلاعات باید به‌موقع باشند. بنابراین به‌موقع بودن یکی از محدودیت‌های انتشار صورت‌های مالی است. جمع‌آوری، خلاصه کردن و انتشار اطلاعات حسابداری باید سریع انجام شود؛ به‌گونه‌ای که در زمانی که استفاده‌کنندگان به آن نیاز دارند در دسترس آنها قرار گیرد. از سوی دیگر، به‌موقع بودن به این معناست که باید صورت‌های مالی را در دوره‌های زمانی مشخص و به‌طور مرتب منتشر کرد و تغییرات ایجادشده در وضع شرکت را به آگاهی دیگران رساند، به این منظور که اطلاعات جدید بتواند در پیش‌بینی و تصمیم استفاده‌کنندگان مؤثر واقع شود (هندریکسن و ون بردا، ۱۹۹۲: ۱۳۶). به‌منظور انتشار به‌موقع اطلاعات، ممکن است قبل از

مشخص شدن همه جنبه‌های معامله یا رویداد، اطلاعاتی گزارش شود که به کاهش قابلیت اتکای اطلاعات منجر خواهد شد. به عکس، چنانچه برای مشخص شدن تمام جنبه‌های یادشده، گزارشگری با تأخیر همراه شود، اطلاعات ممکن است قابل اتکا نباشد و برای استفاده‌کنندگانی که باید طی این مدت تصمیم‌گیری کنند، فایده‌ای دربر نداشته باشد. بنابراین مدیران که مسئولیت تهیه و ارائه صورت‌های مالی را برعهده دارند، باید نوعی موازنه بین مزیت‌های نسبی «گزارشگری به موقع» و «گزارش اطلاعات قابل اتکا» برقرار کند (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۹). بر اساس آنچه بیان شد، روابط بین ویژگی‌های کیفی مربوط بودن، قابلیت اتکا و به موقع بودن در مدل مفهومی پژوهش به نمایش گذاشته شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

بر این اساس سؤال‌هایی در ذهن شکل می‌گیرد؛ آیا در بورس اوراق بهادار تهران، تلاش برای گزارش اطلاعات قابل اتکاتر، از میزان مربوط بودن اطلاعات می‌کاهد؟ آیا گزارش اطلاعات به برقراری نوعی موازنه بین این دو ویژگی کیفی نیاز دارد؟ آیا شرکت‌هایی که اطلاعات به موقع‌تری منتشر می‌کنند، اطلاعاتشان مربوط‌تر است؟ آیا تلاش برای گزارش اطلاعات به موقع‌تر، به کاهش قابلیت اتکای اطلاعات منجر می‌شود؟ آیا تلاش برای تهیه و انتشار اطلاعات قابل اتکاتر به تأخیر در گزارشگری منجر می‌شود؟

پیشینه تجربی

پس از مرور پژوهش‌ها، مقاله‌ای که به‌طور مستقیم به بررسی روابط بین ویژگی‌های کیفی اطلاعات پرداخته باشد، مشاهده نشد. در این بخش به مرور تحقیقاتی می‌پردازیم که ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش دارند.

استانگا (۱۹۸۰) با بهره‌مندی از پرسشنامه، به بررسی همبستگی بین مربوطبودن و قابلیت اتکای اطلاعات اقلام متعددی از ترازنامه و صورت سودزبان به‌کمک مبناهای اندازه‌گیری متفاوت پرداخت. این اقلام در قالب بهای جایگزین در مقایسه با بهای تمام‌شده تاریخی، گزارشگری بخش‌ها، پیش‌بینی مالی و گزارشگری موقت، تفکیک شدند. از پاسخ‌دهنده‌ها درخواست شد، به‌صورت مستقل درباره قابلیت اتکا و مربوطبودن موارد مطرح در پرسشنامه، نظر خود را بیان کنند. پاسخ‌دهنده‌ها شامل دو گروه تحلیل‌گران مالی و متصدیان بانکی بودند. نتایج پژوهش نشان داد بین مربوطبودن و قابلیت اتکا همبستگی مثبتی وجود دارد و شواهدی مبنی بر موازنه بین این دو ویژگی کیفی به‌دست نیامد. یافته‌ها حاکی از آن بود که ویژگی‌های مربوطبودن و قابلیت اتکا، بیش از اینکه در تعارض با هم باشند، مکمل یکدیگرند.

مک‌کاسلین و استانگا (۱۹۸۳) بر اساس پرسشنامه تعدیل‌شده استانگا (۱۹۸۰)، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا هنگام تغییر مبنای اندازه‌گیری از بهای تمام‌شده تاریخی به ارزش جاری، نیازی به برقراری موازنه بین ویژگی‌های کیفی مربوطبودن و قابلیت اتکا وجود دارد؟ نتایج پژوهش آنها نشان داد ویژگی‌های مربوطبودن و قابلیت اتکا مستقل از یکدیگر نیستند و میزان مربوطبودن اطلاعات به میزان قابلیت اتکای اطلاعات بستگی دارد و به برقراری موازنه بین این دو ویژگی کیفی نیازی نیست.

زیگال (۱۹۸۴) به بررسی تأثیر به‌هنگام‌بودن گزارش‌های مالی بر محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای و سالانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار آمریکا و نیویورک پرداخت. اختلاف زمانی بین تاریخ پایان سال مالی و تاریخ گزارش (انتشار) صورت‌های مالی، معیاری برای به‌هنگام بودن اطلاعات در نظر گرفته شد. نتایج حاکی از این بود که به‌هنگام بودن متغیری اثرگذار بر مفیدبودن اطلاعات حسابداری است. همچنین گزارش‌های حسابداری با تأخیر کمتر نسبت به گزارش‌های با تأخیر بیشتر، محتوای اطلاعاتی بیشتری را دربردارند.

کوکر (۲۰۰۵) به بررسی همبستگی بین تفاوت ادراک گروه‌های ذی‌نفع با مربوطبودن و قابلیت اتکای بهای تمام‌شده تاریخی و ارزش منصفانه پرداخت. بدین منظور از پرسشنامه تعدیل‌شده مک‌کاسلین و استانگا (۱۹۸۳) استفاده کرد. نمونه بررسی در این پژوهش، سه گروه

اعتباردهندگان مالی، تحلیل‌گران مالی و تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی در نیوزلند را دربرمی‌گرفت. نتایج این بررسی نشان داد بین ادراک پاسخ‌دهندگان از مفاهیم مربوط بودن و قابلیت اتکای اطلاعات، رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

اعتمادی، حسن‌آقایی و الهی (۱۳۸۵) تأثیر فناوری اطلاعات بر ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری شامل مربوط بودن، قابلیت اعتماد و قابلیت مقایسه را بررسی کردند. آنها از پرسشنامه‌ای مبتنی بر مفاهیم نظری هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا بهره بردند که میزان مربوط بودن اطلاعات، بر اساس سه مؤلفه به‌موقع بودن، سودمندی در پیش‌بینی و سودمندی در ارزیابی اندازه‌گیری شده بود. نتایج نشان داد استفاده از فناوری اطلاعات به افزایش مربوط بودن اطلاعات منجر می‌شود و افزایش در مربوط بودن به مقدار زیادی از افزایش در به‌موقع بودن ناشی شده است. همچنین نتایج حاکی از آن بود که با وجود مزیت‌های بسیار فناوری اطلاعات برای گزارشگری، قابلیت اعتماد اطلاعات را کاهش می‌دهد. قابلیت مقایسه اطلاعات مالی روند شرکت نیز افزایش می‌یابد، در حالی که از قابلیت مقایسه اطلاعات بین شرکت‌های مختلف کاسته می‌شود.

چو، کیم و لیم (۲۰۰۶) در آمریکا، به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کیفی مربوط بودن و قابلیت اتکای ارزش منصفانه و بهای تمام‌شده تاریخی دارایی‌های نگه‌داری شده برای فروش و دارایی‌های نگه‌داری شده برای استفاده پرداختند. آنها چارچوب جدیدی برای ویژگی‌های کیفی اطلاعات ارائه کردند که در آن قابلیت اتکا به‌عنوان نزدیکی بین محک و اطلاعات ارائه‌شده حسابداری تعریف شد و مربوط بودن نیز معرف نزدیکی اطلاعات اساسی حسابداری و اطلاعات ارائه‌شده حسابداری بود. منظور از اطلاعات اساسی اطلاعاتی است که تصمیم‌گیرندگان برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل‌اند، مانند ارزش شرکت برای سرمایه‌گذاران و قیمت سهام. محک نیز، پدیده اقتصادی یا ویژگی اقتصادی است که بر اساس چارچوب مفهومی، اطلاعات باید بیان‌کننده آن باشد. در چارچوب طراحی شده چو و همکارانش، هرچه اطلاعات ارائه‌شده به واقعیت اقتصادی نزدیک‌تر باشد، قابل اتکاتر است و هرچه ارتباط اطلاعات حسابداری با اطلاعات اساسی مانند قیمت سهام بیشتر باشد، مربوط‌تر شمرده می‌شود. در نهایت آنها به این نتیجه رسیدند که با افزایش میزان قابلیت اتکا، میزان مربوط بودن اطلاعات نیز افزایش می‌یابد یا به بیان دیگر، بین این دو ویژگی کیفی رابطه مثبت برقرار است. آنان قابلیت اتکا را ابزاری برای افزایش مربوط بودن اطلاعات معرفی کردند.

احمدپور و احمدی (۱۳۸۷) با بهره‌مندی از ویژگی‌های کیفی مربوط بودن و قابلیت اتکا، به ارزیابی کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی

۱۳۸۴-۱۳۷۵ پرداختند. آنان مربوط بودن اطلاعات را بر اساس ارزش پیش‌بینی‌کنندگی و ارزش بازخورد اندازه گرفتند. خطای پیش‌بینی مدل‌های پیش‌بینی بازده دارایی، سود و جریان نقد به‌عنوان معیار ارزش پیش‌بینی‌کنندگی به کار رفت و توانایی سود سال جاری برای تغییر در پیش‌بینی سود سال‌های آتی، به‌عنوان معیاری برای ارزش بازخورد استفاده شد. قابلیت اتکا را نیز بر اساس مدل‌های مختص به برآورد اقلام تعهدی غیرعادی و سرمایه در گردش تعهدی اندازه‌گیری کردند. نتایج پژوهش نشان داد ضریب واکنش سود و قدرت توضیحی رگرسیون قیمت - سود، در پرتفوی شرکت‌هایی با کیفیت سود زیاد نسبت به پرتفوی شرکت‌هایی با کیفیت سود کم، بیشتر است.

شورورزی و نیکومرام (۱۳۸۹) مدلی برای ارزیابی کیفیت سود با استفاده از خصوصیات کیفی مفاهیم نظری گزارشگری مالی در ایران ارائه کردند. آنها ویژگی مربوط بودن اطلاعات را به کمک معیارهای ارزش پیش‌بینی‌کنندگی، تأییدکنندگی و انتخاب خاصه اندازه گرفتند و ویژگی قابلیت اتکای اطلاعات را به کمک معیارهای بیان صادقانه، بی‌طرفی، احتیاط و کامل بودن اندازه‌گیری کردند. از خطای پیش‌بینی مدل‌های پیش‌بینی سود و جریان‌های نقدی به‌عنوان معیار ارزش پیش‌بینی‌کنندگی بهره بردند و با استفاده از تفاوت خطای پیش‌بینی مدل پیش‌بینی سود قبل و بعد از در نظر گرفتن سود سال جاری، ارزش تأییدکنندگی را اندازه‌گیری کردند. قدر مطلق مقدار باقی‌مانده مدل اقلام تعهدی به‌عنوان معیار معکوس بیان صادقانه به کار گرفته شد. بی‌طرفی با استفاده از متغیر مصنوعی به صورت صفر و یک بر اساس سود هر سهم و تغییرات سود هر سهم اندازه‌گیری شد و متغیر احتیاط نیز با بهره‌مندی مدل گیولی و هان (۲۰۰۲)، سنجیده شد. نتایج پژوهش نشان داد ویژگی قابلیت اتکا، نسبت به ویژگی مربوط بودن تأثیر بیشتری بر کیفیت سود دارد. آنها اختلاف معناداری بین پرتفوی شرکت‌های با ویژگی کیفی مربوط بودن و قابلیت اتکای زیاد و پرتفوی شرکت‌های با ویژگی کیفی مربوط بودن و قابلیت اتکای کم به دست نیاوردند، اما بین ضریب واکنش سود و ضریب تبیین پرتفوی شرکت‌هایی با ویژگی قابلیت اتکای زیاد و مربوط بودن کم و پرتفوی شرکت‌های با ویژگی قابلیت اتکای کم با درجهٔ مربوط بودن زیاد، تفاوت معناداری مشاهده کردند.

مهدوی و جمالیان‌پور (۱۳۸۹) به بررسی عوامل مؤثر بر سرعت گزارشگری در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۸۷-۷۸ پرداختند. آنها از اختلاف زمانی میان تاریخ پایان سال مالی و تاریخ ارائه گزارش‌های مالی حسابرسی‌شدهٔ سالانه، به‌عنوان معیاری برای سرعت گزارشگری مالی استفاده کردند و نسبت‌های مالی، متغیر اندازهٔ شرکت و نسبت سرمایه‌گذاری مجدد سود جاری را عوامل مؤثر بر سرعت گزارشگری در نظر گرفتند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که

شرکت‌های با سرعت گزارشگری مختلف، نسبت‌های مالی و غیرمالی متفاوتی دارند. سرعت گزارشگری طی سال‌های بررسی به تدریج افزایش یافته است. همچنین شرکت‌های با نسبت نقدینگی و سودآوری بیشتر، شرکت‌های بزرگ‌تر، شرکت‌هایی که تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری مجدد سود سال جاری در داخل شرکت دارند و شرکت‌هایی که در ساختار سرمایه خود از بدهی کمتری استفاده کرده‌اند، سرعت گزارشگری بیشتری دارند.

دیانتی دیلمی و ملک‌محمدی (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۰ پرداختند. کیفیت اطلاعات مالی را بر اساس بیانیه شماره هشت هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا با استفاده از دو ویژگی مربوط بودن و ارائه صادقانه اندازه گرفتند. برای سنجش مربوط بودن از ارزش پیش‌بینی‌کنندگی و تأییدکنندگی استفاده کردند. قدرمطلق خطای پیش‌بینی سود آتی و جریان نقد آتی، معیار معکوس ارزش پیش‌بینی‌کنندگی در نظر گرفته شد و تفاوت قدرمطلق خطای پیش‌بینی در برآورد سود سال جاری قبل و بعد از در نظر گرفتن سود سال جاری، به منظور سنجش ارزش تأییدکنندگی استفاده شد. ارائه صادقانه بر اساس متغیرهای بی‌طرفی، کامل بودن و عاری از اشتباه بودن اندازه‌گیری شد. بی‌طرفی مطابق با پژوهش باروآ (۲۰۰۶) با استفاده از دو معیار معکوس بر مبنای سود هر سهم و تغییرات سود هر سهم، اندازه‌گیری شد. تعداد موارد عدم افشای گزارش حسابرس، به عنوان معیار معکوس کامل بودن اطلاعات به کار رفت و از متغیرهای نوع اظهار نظر حسابرس، تعداد بندهای شرط، تعداد بندهای محدودیت گزارش حسابرس، تعداد موارد عدم رعایت قانون و مقررات و استانداردهای حسابداری و آیین‌نامه‌های سازمان بورس، به عنوان معیارهای سنجش عاری از اشتباه بودن استفاده شد. نتایج نشان داد تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، استقلال هیئت‌مدیره و مدت تصدی مدیرعامل، بر کیفیت اطلاعات مالی تأثیر مثبت و معنادار می‌گذارند.

بر اساس مطالب بیان شده، فرضیه‌های پژوهش بر شرح زیر مطرح شده است:

فرضیه اول: در شرکت‌هایی که قابلیت اتکای اطلاعات آنها بیشتر است، نسبت به شرکت‌هایی که قابلیت اتکای اطلاعات آنها کمتر است، میانگین مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش بازار سهامشان کمتر است.

فرضیه دوم: در شرکت‌هایی که اطلاعات به موقع بیشتری گزارش می‌شود، نسبت به شرکت‌هایی که اطلاعات به موقع کمتری گزارش می‌شود، میانگین مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش بازار سهام بیشتر است.

فرضیه سوم: شرکت‌هایی که اطلاعات به‌موقع بیشتری گزارش می‌کنند، میانگین قابلیت اتکا به اطلاعاتشان کمتر است.
فرضیه چهارم: در شرکت‌هایی که قابلیت اتکا به اطلاعات آنها بیشتر است، میانگین به‌موقع بودن اطلاعاتشان کمتر است.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر برای بررسی فرضیه‌ها و مقایسه میانگین دو جامعه، آزمون تی استیودنت اجرا شده است. به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش با توجه به فرضیه مد نظر، مشاهده‌ها بر اساس میانگین یک متغیر به دو گروه تقسیم شدند؛ سپس از نظر ویژگی کیفی مد نظر به مقایسه میانگین‌ها پرداخته شد.

جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۷۸ در بورس اوراق بهادار تهران حضور داشتند و پایان سال مالی آنها، پایان اسفند بود (دوره زمانی این پژوهش، سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۷۹ است، اما به دلیل نیاز به داده‌های سال قبل، از اطلاعات شرکت‌ها در سال ۱۳۷۸ نیز استفاده شده است).

با لحاظ این شرایط، ۱۰۰ شرکت برای بررسی انتخاب شد. ۲۵ درصد شرکت‌های منتخب در صنعت مواد و محصولات شیمیایی، ۱۶ درصد در صنعت فرآورده‌های مواد غذایی و آشامیدنی، ۱۳ درصد در صنعت خودرو و ساخت قطعات، ۱۲ درصد در صنعت محصولات کانی غیرفلزی، ۶ درصد در صنعت فلزهای اساسی، ۶ درصد در صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات، ۴ درصد در صنعت استخراج معادن، ۴ درصد در صنعت لاستیک و پلاستیک و ۱۴ درصد باقی‌مانده نیز در صنایع ساخت محصولات فلزی، ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی، فرآورده‌های نفت، کک و سوخت هسته‌ای، منسوجات، استخراج نفت خام و گاز طبیعی، انتشار، چاپ و تکثیر، ساخت رادیو، تلویزیون و دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی و کشاورزی، دامپروری و خدمات وابسته به آن فعالیت دارند. داده‌های پژوهش از نرم‌افزار تدبیرپرداز و سایت rdis.ir جمع‌آوری شده است.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش شامل به‌موقع بودن، قابلیت اتکا و مربوط بودن است که نحوه اندازه‌گیری آنها در ادامه تشریح می‌شود.

به‌موقع بودن

مطابق با پژوهش‌های زیگال (۱۹۸۴) و مهدوی و جمالیان‌پور (۱۳۸۹)، از اختلاف زمانی بین تاریخ پایان سال مالی و تاریخ گزارش (انتشار) صورت‌های مالی بر اساس دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت‌شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران، به‌عنوان معیار به‌موقع بودن اطلاعات استفاده شده است.

قابلیت اتکا

بر اساس بندهای ۱۴-۲ و ۱۹-۲ مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران، قابلیت اتکای اطلاعات شامل ویژگی‌های کامل بودن، احتیاط، بی‌طرفی و بیان صادقانه (رجحان محتوا بر شکل) است (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۹) که برای اندازه‌گیری قابلیت اتکای اطلاعات، هر یک از چهار ویژگی یادشده اندازه‌گیری می‌شود، سپس امتیاز نهایی برای ویژگی قابلیت اتکای اطلاعات در نظر گرفته خواهد شد. نحوه محاسبه هر یک از ویژگی‌ها و امتیاز نهایی در پایان بخش توضیح داده شده است.

کامل بودن: مطابق با پژوهش دیانتی دیلمی و ملک‌محمدی (۱۳۹۲)، تعداد موارد عدم افشا در گزارش حسابرسی، برای معیار معکوس کامل بودن اطلاعات استفاده می‌شود.

احتیاط: با استفاده از مدل خان و واتز (۲۰۰۹) اندازه‌گیری شده است.

$$\frac{E_{i,t}}{P_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 D_{i,t} + \beta_2 RET_{i,t} + \beta_3 D_{i,t} \times RET_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$\begin{aligned} \frac{E_{i,t}}{P_{i,t-1}} = & b_0 + b_1 D_{i,t} + RET_{i,t} \left(\mu_0 + \mu_1 SIZE_{i,t} + \mu_2 \frac{M}{B}_{i,t} + \mu_3 LEV_{i,t} \right) \\ & + D_{i,t} \times RET_{i,t} \left(\lambda_0 + \lambda_1 SIZE_{i,t} + \lambda_2 \frac{M}{B}_{i,t} + \lambda_3 LEV_{i,t} \right) \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{رابطه (۲)}$$

$$C - Score = b_3 = \lambda_0 + \lambda_1 SIZE_{i,t} + \lambda_2 M/B_{i,t} + \lambda_3 LEV_{i,t} \quad \text{رابطه (۳)}$$

E سود خالص؛ P قیمت هر سهم؛ D متغیر مجازی، در صورتی که بازده صفر یا منفی باشد مقدار آن یک و در غیر این صورت صفر است؛ RET بازده سهام (قیمت سهام در پایان سال جاری منهای قیمت سهام در پایان سال گذشته، تقسیم بر قیمت سهام در پایان سال گذشته)؛ $SIZE$ اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام)؛ M/B نسبت ارزش بازار به ارزش

دفتری و LEV اهرم مالی (جمع بدهی‌های جاری و بلندمدت پایان دوره تقسیم بر ارزش بازار سرمایه اول دوره).

به‌منظور محاسبه محافظه‌کاری رابطه ۲ با استفاده از رگرسیون مقطعی سالانه برای دوره‌های پژوهش برآورد شده است. سپس مقادیر برآوردشده λ_1 تا λ_3 در رابطه ۳ جایگزین می‌شود و از این طریق $C - Score$ که بیان‌کننده میزان محافظه‌کاری شرکت است، به‌دست می‌آید.^۱

بی‌طرفی: مطابق با پژوهش‌های باروآ (۲۰۰۶)، شورورزی و نیکومرام (۱۳۸۹) و دیلمی و ملک‌محمدی (۱۳۹۲)، از دو معیار NEU_1 و NEU_2 به‌صورت جداگانه برای اندازه‌گیری بی‌طرفی استفاده شده است:

NEU_1 : اگر سود هر سهم شرکت، در فاصله اولین طبقه سمت راست صفر توزیع سود هر سهم قرار داشته باشد یک و در غیر این صورت صفر است.

NEU_2 : اگر تغییرات سود هر سهم شرکت، در فاصله اولین طبقه سمت راست صفر توزیع تغییرات سود هر سهم قرار داشته باشد یک و در غیر این صورت صفر است (طول طبقات ۱ درصد در نظر گرفته شده است و سود هر سهم و تغییرات سود هر سهم، بر اساس قیمت سال گذشته همگن شده‌اند). فاصله طبقات در حداقل ممکن (۱ درصد) لحاظ شده است؛ زیرا شرکت‌هایی که رقم سودشان واقعی و بی‌طرفانه گزارش شده است، معمولاً اختلاف بیشتری با صفر دارد، اما سود شرکت‌هایی که در واقع منفی است و با دستکاری اطلاعات از ناحیه زبان به ناحیه سود کشانده شده، اختلاف زیادی با صفر ندارد و در فاصله نزدیکی به صفر واقع شده است (باروآ، ۲۰۰۶). بنابراین شرکت‌هایی که میزان سود هر سهم و تغییرات سود هر سهم گزارش‌شده آنها در اولین طبقه سمت راست صفر توزیع سود هر سهم و تغییرات سود هر سهم واقع شده، معیار معکوس بی‌طرفی در نظر گرفته شده می‌شود.

بیان صادقانه: مطابق با پژوهش‌های باروآ (۲۰۰۶) و شورورزی و نیکومرام (۱۳۸۹)، قدر مطلق مقدار باقی‌مانده دو رابطه زیر که معرف اقلام تعهدی غیر عادی است، معیار معکوس بیان صادقانه مد نظر قرار گرفته است (متغیرهای هر دو رابطه بر اساس جمع دارایی‌های سال قبل همگن شده‌اند).

$$TA_{i,t} = \beta_1 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + \beta_2 (\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) + \beta_3 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه ۴}$$

۱. برای آگاهی بیشتر از نحوه اجرای مدل خان و واتز (۲۰۰۹)، به فولاد، یعقوب‌نژاد و تالانه (۱۳۹۱) رجوع کنید.

$$TA_{i,t} = \beta_1 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + \beta_2 (\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) + \beta_3 PPE_{i,t} + \beta_4 OCF_{i,t} + \beta_5 BM_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه ۵}$$

TA جمع اقلام تعهدی (جریان نقد عملیاتی منهای سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه) (هریبار و کولینز، ۲۰۰۲)؛ REV درآمد؛ REC حساب‌ها و اسناد دریافتی؛ PPE ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات؛ OCF جریان نقد عملیاتی و BM نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام است.

مربوط بودن

بر اساس بندهای ۹-۲ و ۱۰-۲ مفاهیم نظری گزارشگری مالی، مربوط بودن اطلاعات شامل ویژگی‌های ارزش پیش‌بینی‌کنندگی و تأییدکنندگی است (کمیتۀ تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۹). ارزش پیش‌بینی‌کنندگی و تأییدکنندگی به شرح زیر محاسبه می‌شود و میانگین امتیازهای ارزش پیش‌بینی‌کنندگی و تأییدکنندگی، به‌عنوان معیار اندازه‌گیری مربوط بودن اطلاعات به کار می‌رود.

ارزش پیش‌بینی‌کنندگی: مطابق با پژوهش‌های باروآ (۲۰۰۶)، شورورزی و نیکومرام (۱۳۸۹) و دیانتی دیلمی و ملک‌محمدی (۱۳۹۲)، قدر مطلق خطای پیش‌بینی دو رابطه زیر به‌عنوان معیار معکوس ارزش پیش‌بینی‌کنندگی استفاده می‌شود (متغیرهای هر دو رابطه بر اساس جمع دارایی‌های سال قبل همگن شده‌اند).

$$ROA_{t+1} = \lambda_0 + \lambda_1 ROA_t + e_t \quad \text{رابطه ۶}$$

$$OCF_{t+1} = \alpha_0 + \alpha_1 E_t + \omega_t \quad \text{رابطه ۷}$$

که در آن ROA بازده دارایی‌ها؛ E سود خالص و OCF جریان نقد عملیاتی است.

ارزش تأییدکنندگی: مطابق با پژوهش‌های باروآ (۲۰۰۶)، شورورزی و نیکومرام (۱۳۸۹) و دیانتی دیلمی و ملک‌محمدی (۱۳۹۲)، از رابطه ۸ برای معیار معکوس ارزش تأییدکنندگی استفاده شده است.

$$FV_t = [|PE_B| - |PE_A|] \quad \text{رابطه ۸}$$

FV ارزش تأییدکنندگی؛ PE_B خطای پیش‌بینی بازده دارایی (جریان نقد عملیاتی) آتی بدون در نظر گرفتن بازده دارایی (سود) سال جاری؛ PE_A خطای پیش‌بینی بازده دارایی (جریان نقد عملیاتی) آتی با در نظر گرفتن بازده دارایی (جریان نقد عملیاتی) سال جاری است. برای اندازه‌گیری ارزش تأییدکنندگی، FV بر اساس رابطه‌های ۶ و ۷ محاسبه می‌شود و میانگین آنها برای معیار ارزش تأییدکنندگی در نظر گرفته خواهد شد.

نحوه امتیازدهی در اندازه‌گیری متغیرها

با توجه به اینکه در پژوهش حاضر از چندین متغیر میانی برای اندازه‌گیری متغیرهای اصلی پژوهش استفاده شده است، به‌منظور همسان‌سازی متغیرها از روش سازمان بورس و اوراق بهادار تهران برای اختصاص امتیاز به کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۰: ۱)، استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا متغیرهای میانی اندازه‌گیری می‌شود، سپس بر اساس مقادیر اندازه‌گیری‌شده هر متغیر، امتیازهایی از ۱ تا ۱۰۰ به هر شرکت اختصاص می‌یابد. پس از آن، امتیاز متغیرهای اصلی قابلیت اتکا و مربوط بودن بر اساس میانگین امتیازهای اختصاص داده‌شده به متغیرهای میانی مربوط به‌دست می‌آید.

همچنین متغیر اصلی به‌موقع بودن نیز از اختلاف زمانی بین تاریخ پایان سال مالی و تاریخ گزارش (انتشار) صورت‌های مالی بر اساس روز شمرده می‌شود. سپس بیشترین امتیاز به شرکتی (شرکت‌هایی) تعلق می‌گیرد که کمترین اختلاف زمانی بین تاریخ پایان سال مالی و تاریخ گزارش (انتشار) صورت‌های مالی را داشته باشد (باشند). در جدول ۱ نحوه اختصاص امتیاز به متغیرهای میانی نشان داده شده است.

جدول ۱. اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیر اصلی	ویژگی کیفی	روش اندازه‌گیری	توضیح						
قابلیت اتکا	کامل بودن	موارد عدم افشای مندرج در گزارش حسابرسی به‌عنوان معیار معکوس کامل بودن	با توجه به اینکه موارد عدم افشای شرکت‌های مورد بررسی در این پژوهش از ۰ تا ۴ مورد بود، برای محاسبه طول هر طبقه از نظر نحوه اختصاص امتیاز، رقم ۱۰۰ به‌عنوان بیشترین امتیاز بر تعداد طبقات (۵ طبقه) تقسیم شد. سپس بیشترین امتیاز به شرکت (شرکت‌هایی) اختصاص می‌یابد که کمترین مورد عدم افشای اطلاعات را داشته باشد (باشند).						
<table border="1" style="margin-left: auto; margin-right: auto;"> <tr> <td>موارد عدم افشا</td> <td>۰</td> <td>۱</td> <td>۲</td> <td>۳</td> <td>۴</td> </tr> </table>				موارد عدم افشا	۰	۱	۲	۳	۴
موارد عدم افشا	۰	۱	۲	۳	۴				

ادامه جدول ۱

متغیر اصلی	ویژگی کیفی	روش اندازه گیری	توضیح														
قابلیت اتکا	انتخاب	مدل خان و واتز (۲۰۰۹)	<p>۱. شرکت ها بر اساس میزان محافظه کاری محاسبه شده، مرتب می شوند؛</p> <p>۲. عدد ۱۰۰ بر تعداد شرکت ها (پس از حذف تعداد شرکت هایی که میزان محافظه کاری آنها برابر است) تقسیم می شود و اختلاف امتیاز هر شرکت (a) به دست می آید؛</p> <p>۳. در نهایت بر اساس ۱ تا ۱۰۰ امتیازهایی به هر شرکت اختصاص می یابد، به نحوی که شرکتی که بیشترین میزان محافظه کاری را دارد امتیاز ۱۰۰ می گیرد و امتیاز شرکت بعد از آن (شرکت یا شرکت هایی که در رتبه دوم قرار می گیرند) ۱۰۰ منهای a است و امتیاز شرکت های بعدی به صورت امتیاز شرکت قبل منهای a محاسبه می شود.</p>														
	بی طرفی	Neu1 و Neu2	<table border="1" data-bbox="391 929 726 1041"> <tr> <td>Neu1</td> <td>۰</td> <td>۰</td> <td>۱</td> <td>۱</td> </tr> <tr> <td>Neu2</td> <td>۰</td> <td>۱</td> <td>۰</td> <td>۱</td> </tr> <tr> <td>امتیاز</td> <td>۱۰۰</td> <td>۵۰</td> <td>۵۰</td> <td>۰</td> </tr> </table>	Neu1	۰	۰	۱	۱	Neu2	۰	۱	۰	۱	امتیاز	۱۰۰	۵۰	۵۰
Neu1	۰	۰	۱	۱													
Neu2	۰	۱	۰	۱													
امتیاز	۱۰۰	۵۰	۵۰	۰													
مروط بودن	بیان صادقانه	مدل های ۴ و ۵، به صورت جداگانه، اجرا می شود و در نهایت از قدرمطلق مقدار باقی مانده آنها میانگین گرفته خواهد شد.	<p>نحوه اختصاص امتیاز به هر شرکت مشابه متغیر احتیاط است با این تفاوت که بیشترین امتیاز به شرکتی اختصاص می یابد که کمترین خطای پیش بینی را داشته باشد. سپس از امتیاز اختصاص داده شده به هر شرکت، بر اساس رابطه های رگرسیونی ۴ و ۵ میانگین گرفته می شود و به عنوان امتیاز نهایی در آزمون فرضیه ها به کار می رود.</p>														
	ارزش پیش بینی کنندگی	میانگین قدرمطلق خطای پیش بینی رابطه های ۶ و ۷ محاسبه شده است.	<p>نحوه اختصاص امتیاز مشابه متغیر بیان صادقانه صورت می گیرد.</p>														
	ارزش تأیید کنندگی	رابطه های ۶ و ۷ هر یک دو بار به صورت جداگانه اجرا می شود. در زیر نمونه ای از نحوه اجرای یکی از رابطه ها برای یک سال آمده است.*	<p>نحوه اختصاص امتیاز مشابه متغیر بیان صادقانه صورت می گیرد.</p>														
	$PE_{A89} = ROA_{89} - PROA_{89}$ $PE_{B89} = ROA_{89} - PROA_{89}$		$* \widehat{PROA}_{89} = \lambda_0 + \widehat{\lambda}_1 ROA_{88} + e_t$ $\widehat{PROA}_{89} = \lambda_0 + \widehat{\lambda}_1 ROA_{87} + e_t$														

PROA: ROA پیش بینی شده؛ PE_B: خطای پیش بینی بازده دارایی آتی بدون در نظر گرفتن بازده دارایی سال جاری؛ PE_A: خطای

پیش بینی بازده دارایی آتی با در نظر گرفتن بازده دارایی سال جاری

نتایج برآورد رگرسیونی متغیرهای میانی پژوهش

در جدول ۲ نتایج برآورد مدل‌های رگرسیونی برای اندازه‌گیری متغیرهای میانی پژوهش آورده شده است. اعداد تخمین زده شده توسط مدل‌های زیر به عنوان داده‌های مقدماتی در اندازه‌گیری متغیرهای اصلی پژوهش به کار برده شده است.

جدول ۲. نتایج برآورد رگرسیونی متغیرهای میانی پژوهش

$\frac{E_{i,t}}{P_{i,t-1}} = b_0 + b_1 D_{i,t} + RET_{i,t} \left(\mu_0 + \mu_1 SIZE_{i,t} + \mu_2 \frac{M}{B_{i,t}} + \mu_3 LEV_{i,t} \right) + D_{i,t} \times RET_{i,t} \left(\lambda_0 + \lambda_1 SIZE_{i,t} + \lambda_2 \frac{M}{B_{i,t}} + \lambda_3 LEV_{i,t} \right) + \varepsilon_{i,t}$		
معناداری آماره F: ۰/۰۰۱۰	ضریب تعیین: ۰/۳۲۴۹	دوربین - واتسون: ۱/۸۳۰۴
$TA_{i,t} = \beta_1 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + \beta_2 (\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) + \beta_3 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$		
معناداری آماره F: ۰/۰۰۰۱	ضریب تعیین: ۰/۵۰۶۸۷۴	دوربین - واتسون: ۱/۸۸۵۴۶۱
$TA_{i,t} = \beta_1 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + \beta_2 (\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) + \beta_3 PPE_{i,t} + \beta_4 OCF_{i,t} + \beta_5 BM_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$		
معناداری آماره F: ۰/۰۰۰۱	ضریب تعیین: ۰/۴۶۵۶۲۸	دوربین - واتسون: ۱/۵۳۷۱۰۴
$ROA_{t+1} = \lambda_0 + \lambda_1 ROA_t + e_t$		
معناداری آماره F: ۰/۰۰۰۱	ضریب تعیین: ۰/۵۲۱۴	دوربین - واتسون: ۱/۵۳۶۵۳۵
$OCF_{t+1} = \alpha_0 + \alpha_1 E_t + \omega_t$		
معناداری آماره F: ۰/۰۰۰۱	ضریب تعیین: ۰/۶۴۳۸	دوربین - واتسون: ۱/۵۳۶۲۰۱

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش و متغیرهای میانی برای اندازه‌گیری متغیرهای اصلی، در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	میان	انحراف معیار	مقدار کمینه	مقدار بیشینه
متغیرهای اصلی					
مربوط بودن (امتیاز)	۴۹/۰۴۵۵	۵۰	۲۳/۷۸۷۳	۱	۱۰۰
قابلیت انکا (امتیاز)	۴۵/۱۲۶۵	۴۶/۰۸۹۵	۱۹/۱۲۴۱	۱	۱۰۰
به موقع بودن (امتیاز)	۵۰/۰۴۶۳	۵۰/۰۴۵۵	۲۸/۸۷۹۲	۱	۱۰۰
متغیرهای میانی					
جمع اقلام تعهدی* (ریال)	-/۰۱۴۹	-/۰۰۰۱	-/۱۷۱۴	-/۱۸۱	۱/۶۵
تغییرات درآمد* (ریال)	-/۱۴۶۴	-/۰۹۸۶	-/۳۱۳۰	-/۱۲۵	۴/۲۶
تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی* (ریال)	-/۰۵۳۹	-/۰۳۱۸	-/۱۵۸۲	-/۶	۱/۷۶
ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات* (ریال)	-/۲۴۱۴	-/۱۹۰۱	-/۳۱۸۲	-/۰۰۰۱	۱/۶۹
جریان نقد عملیاتی* (ریال)	-/۱۴۵۶	-/۱۱۴۸	-/۱۸۲۱	-/۵۰	۱/۹۹
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام* (ریال)	۷/۵×۱۰ ^{-۸}	۶/۳×۱۰ ^{-۸}	۲/۹×۱۰ ^{-۸}	-۱×۱۰ ^{-۸}	۹/۵×۱۰ ^{-۸}
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام* (ریال)	۴/۹۹۵۹	۲/۴۶۰۰	۶/۶۱۳۲	-۳/۱۰	۴/۱۹
اندازه شرکت (ریال)	۳۴/۸۰۳۷	۲۶/۰۶۳۶	۶/۰۸۵۱	-/۰۰۰۱	۳۰/۹۶
اهرم مالی (ریال)	۱/۵۶۶۵	-/۹۱۱۴	۱/۹۳۸۴	-/۰۰۰۱	۱۸/۰۱
بازده سهام	-/۰۸۳۴	-/۰۰۰۱	-/۶۳۵۰	-/۰۸۹	۴/۷۸
سود هر سهم** (ریال)	-/۱۳۳۱	-/۱۴۶۲	-/۲۴۸۵	-/۲۸۸	۲/۷۲
تغییرات سود هر سهم** (ریال)	-/۰۲۵۵	-/۰۰۰۱	-/۲۴۰۴	-/۲۲۹	۲/۶۷

* همگن شده بر اساس جمع دارایی‌های سال گذشته

** همگن شده بر اساس قیمت پایان سال سهام

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آماری به دست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش، در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه سوم: به موقع بودن و قابلیت اتکا			فرضیه اول: قابلیت اتکا و مربوط بودن		
(T _H)	(T _L)		(R _H)	(R _L)	
۴۴۱	۴۳۹	تعداد	۴۵۹	۴۲۱	تعداد
۵۰/۳۰۶۷	۴۰/۶۰۷۵	میانگین RT	۵۲/۵۴۵۵	۴۷/۲۲۰۹	میانگین RC
-۰/۲۴۷		آماره F آزمون لوین*	۱۱۸/۶۷۸۳		آماره F آزمون لوین
۰/۱۰۰۶		سطح معناداری آماره F آزمون لوین	۰/۰۰۰۱		سطح معناداری آماره F آزمون لوین
-۷/۷۸۵		آماره t آزمون تی استیودنت*	-۱۰/۶۹		آماره t آزمون تی استیودنت
۰/۰۰۰۱		سطح معناداری	۰/۰۰۰۱		سطح معناداری
فرضیه چهارم: قابلیت اتکا و به موقع بودن			فرضیه دوم: به موقع بودن و مربوط بودن		
(R _H)	(R _L)		(T _H)	(T _L)	
۴۵۹	۴۲۱	تعداد	۴۴۱	۴۳۹	تعداد
۵۴/۲۳۸۲	۴۵/۳۴۸۳	میانگین T	۵۴/۹۲۳۱	۴۵/۵۶۶۸	میانگین RC
۱۱۹/۱۷۴۳		آماره F آزمون لوین*	۰/۵۷۳		آماره F آزمون لوین
۰/۰۷۴۳		سطح معناداری آماره F آزمون لوین	۰/۰۰۰۱		سطح معناداری آماره F آزمون لوین
-۸/۶۲۴		آماره t آزمون تی استیودنت	-۱۱/۳۴		آماره t آزمون تی استیودنت
۰/۰۰۰۱		سطح معناداری	۰/۰۰۰۱		سطح معناداری

با توجه به اینکه سطح معناداری آماره t آزمون تی استیودنت در هر یک از چهار فرضیه کوچک‌تر از ۰/۰۱ است، می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد اختلاف معناداری بین میانگین متغیر مد نظر برای مقایسه در دو گروه ایجاد شده وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه اول، میانگین مربوط بودن شرکت‌هایی که اطلاعاتشان قابل اتکاتری دارند، بیشتر است؛ بنابراین فرضیه اول رد می‌شود. در مورد فرضیه دوم، میانگین مربوط بودن اطلاعات شرکت‌هایی که اطلاعاتشان به موقع‌تر است بیشتر است، بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌شود. در نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه سوم، میانگین قابلیت اتکای شرکت‌هایی که اطلاعاتشان به موقع‌تری دارند بیشتر است، بنابراین فرضیه سوم رد می‌شود. با توجه به بزرگ‌تر بودن میانگین به موقع بودن اطلاعات شرکت‌هایی که اطلاعاتشان قابل اتکاتر است، فرضیه چهارم نیز رد می‌شود.

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی برخی باورهای دیرینه در مفاهیم نظری حسابداری، از جمله وجود رابطه متناقض بین ویژگی های مربوط بودن و قابلیت اتکا، قابلیت اتکا و به موقع بودن و همچنین همسویی به موقع بودن اطلاعات با مربوط بودن آن پرداخته شد. با وجود آنچه در مفاهیم نظری مطرح شده است، نتایج این پژوهش نشان داد شرکت هایی که اطلاعات را با قابلیت اتکای بیشتر ارائه می کنند، اطلاعاتشان مربوط تر است. نتایج به دست آمده با پژوهش های استانگا (۱۹۸۰)، مک کاسلین و استانگا (۱۹۸۳)، کوکر (۲۰۰۵) و چو و همکاران (۲۰۰۵) همخوانی دارد. درباره نقش سرعت گزارشگری و به موقع بودن اطلاعات، نتیجه به دست آمده نشان داد شرکت هایی که اطلاعات خود را به موقع تر ارائه می دهند، اطلاعاتشان مربوط تر است. نتیجه ای که از آزمون فرضیه دوم به دست آمد با نتایج ضمنی پژوهش اعتمادی و همکارانش (۱۳۸۵) همسو است.

همچنین، یافته های پژوهش نشان داد تلاش به منظور ارائه اطلاعات به موقع تر، خدشه ای بر قابلیت اتکای اطلاعات وارد نمی کند و شرکت هایی که اطلاعات خود را قابل اتکاتر گزارش می کنند، اطلاعاتشان به موقع تر است. به بیان دیگر، با وجود این باور در مفاهیم نظری حسابداری که بین به موقع بودن و قابلیت اتکا، نوعی رابطه متناقض برقرار است، یافته های پژوهش خلاف آن را نشان می دهد. ضریب همبستگی مثبت بین دو متغیر به موقع بودن و قابلیت اتکا (+۰/۲۴) که به عنوان آزمون اضافه اجرا شد نیز، دلیل دیگری برای این ادعاست.

در کل یافته های پژوهش حاکی از آن است که در بازار بورس و اوراق بهادار تهران، قابلیت اتکای اطلاعات با مربوط بودن اطلاعات همسو است و موضوع جالب توجه این است که شرکت هایی که اطلاعات به موقع تری ارائه می کنند، اطلاعاتشان مربوط تر و قابل اتکاتر است، همچنین شرکت هایی با اطلاعات قابل اتکاتر نیز اطلاعاتشان به موقع تر است. به بیان دیگر، در شرکت های بررسی شده، «به موقع بودن و قابلیت اتکا» و «مربوط بودن و قابلیت اتکا» تناقضی با هم ندارند.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه های سوم و چهارم، می توان چنین استدلال کرد که استفاده کنندگان از اطلاعات، اطلاعاتی را قابل اتکا می دانند که به موقع و بدون تأخیر گزارش شود، بنابراین اطلاعات به موقع حائز ویژگی قابلیت اتکای اطلاعات است. از سوی دیگر، بر اساس نتیجه آزمون فرضیه دوم، اطلاعاتی که به موقع ارائه شود، حائز ویژگی مربوط بودن است. از این رو اطلاعات به موقع حائز هر دو ویژگی قابلیت اتکای اطلاعات و مربوط بودن است. در نتیجه، به نظر می رسد ویژگی های کیفی قابلیت اتکا و مربوط بودن اطلاعات به دلیل همسویی با ویژگی به موقع بودن، با یکدیگر نیز همسو بوده و با هم تناقضی ندارند.

همچنین بر اساس نتایج برخی پژوهش‌های پیشین (استانگا، ۱۹۸۰؛ مک‌کاسلین و استانگا، ۱۹۸۳، کوکر، ۲۰۰۵ و چو و همکاران، ۲۰۰۵) می‌توان گفت هنوز به‌صورت تجربی روابط مطرح‌شده بین ویژگی‌های کیفی، در مفاهیم نظری حسابداری ثابت نشده است. بنابراین، مطالعه بیشتر و دقیق‌تر پژوهشگران، به‌ویژه بررسی‌ها و واکاوی‌های روشنگرانه توسط نهادهای تدوین‌کننده استاندارد حسابداری، مسیر حرفه حسابداری را روشن‌تر خواهد کرد.

به‌دلیل اهمیت موضوع و با توجه به ماهیت کیفی بودن ویژگی‌های کیفی اطلاعات مانند مربوط بودن و قابلیت اتکا، پیشنهاد می‌شود سازمان حسابرسی به‌عنوان نهاد تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری، تعریفی عملیاتی از ویژگی‌های کیفی مطرح‌شده در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ارائه دهد و شواهد تجربی دقیق‌تری درباره تأیید یا اصلاح روابط مطرح‌شده بین ویژگی‌های کیفی در مفاهیم نظری حسابداری، فراهم آورد. با توجه به اینکه متغیرهای بحث‌شده در این پژوهش از نوع متغیرهای کیفی‌اند و با پذیرش این موضوع که هیچ‌یک از مدل‌های به‌کاررفته برای کمی کردن متغیر کیفی کامل و بی‌عیب و نقص نیستند، استفاده از روش‌های دیگر به‌منظور اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش ممکن است به نتایج متفاوتی بینجامد. برای مثال، در اندازه‌گیری متغیر کامل بودن با توجه به وضعیت اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و عدم دسترسی به اطلاعات و اسناد و مدارک موجود در شرکت‌ها، تنها منبع قابل استناد گزارش حسابرس مستقل است که ممکن است با توجه به سطح اهمیت، برخی از موارد عدم افشا در گزارش حسابرس ذکر نشود.

References

- Ahmadpour, A. & Ahmadi, A. (2006). Using qualitative characteristics of financial information in assessing the quality of earnings. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 15 (3): 3-16. (in Persian)
- Barua, A. (2006). Using the FASB'S qualitative characteristics in earning quality measures. <http://etd.lsu.edu>, Working paper, [online], 15 November 2013.
- Cho, M., Kim, O. & Lim, S. C. (2006). Reliability as a means to achieve relevance in valuation: does historical Cost qualify as "What it purports to represent"? www.cjbe.org, [online], 5 January 2013.
- Cocker, A., L., (2005). Relevance and Reliability: A Trade - off? <http://otago.ourarchive.ac.nz>, [online], 3 November 2013.
- Dianati Deilami, Z. & Malek Mohammadi, H. (2013). Assessment of Effect of Corporate Governance Attitudes on Financial Information's Quality of the

- Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 4 (13): 151-170. (in Persian)
- Etemadi, H., Elahi, Sh. & Hasan Aghaee, K. (2006). Examining the effect of information technology (IT) on qualitative characteristics of accounting information. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 13 (1): 3-24. (in Persian)
- Foulad, F., Yaghoob Nezhad, A. & Talaneh, A. (2012). Conservatism And Reducing Stock Price Crash Risk. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 19 (3): 99-118. (in Persian)
- Hendriksen, E. S. & Van Breda, M. F. (1992). *Accounting Theory*. 5th Edition, Southern Methodist University Press.
- Hribar, P. & Collins, D.W. (2002). Errors in estimating accruals: implication for empirical research. *Journal of Accounting Research*, 3 (40): 727-759.
- International Accounting Standards Committee (IASC) (2010). *Theoretical concepts of financial reporting*. The Audit Organization press. (in Persian)
- Khan, M. & Watts, R. (2009). Estimation and Empirical Properties of a Firm-Year Measure of Accounting Conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 2-3 (48): 132-150.
- Mahdavi, Gh. H. & Jamalianpour, M. (2010). Effective Factors on Speed of Financial Reporting in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Researches*, 2 (4): 89-108. (in Persian)
- McCaslin, T. E. & Stanga, K. G. (1983). Related qualities of useful accounting information. *Accounting and Business Research*, 53 (14): 35-41.
- Shoorvarzy, M. R. & Nikoomaram, H. (2010). Using the Qualitative Characteristics of Financial Reporting for Evaluating Earning Quality. *Journal of Management Research*, 21 (85): 21-41. (in Persian)
- Stanga, K. G. (1980). The relationship between relevance and reliability: Some empirical results. *Accounting and Business Journal*, 11: 29-39.
- Zeghal, D. (1984). Timeliness of Accounting Reports and Their Information Content on the Capital Market. *Journal of Business, Finance & Accounting*, 11: 367-380.